



سبک شناسی خطبه متقین (همام) نهج البلاغه بر اساس رویکرد ساختارگرایی

سودابه مظفری^۱، اشرف پرنوش^۲

۱ استادیار رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه خوارزمی mozaffari_arabic@yahoo.com

۲ دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی Ashraf.parnoosh@yahoo.com

چکیده

نهج البلاغه بعد از قرآن کریم از ارزشمندترین متون دینی به شمار می آید و پژوهشگران سعی در بررسی آن از ابعاد مختلف ادبی و علمی نموده اند. زیرا این کتاب در بردارنده سخنان گرانبهای امام علی (ع) است و در اوج فصاحت و بلاغت قرار دارد و موضوعات مختلفی را در قالب بهترین الفاظ و به صورتی هنرمندانه بیان کرده است. خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه از خطبه های مشهور امام علی (ع) می باشد که به وصف پرهیزکاران و رفتارهای فردی و اجتماعی و عبادی متقین پرداخته است. در این مقاله سعی بر این است که به شیوه توصیفی - تحلیلی واز منظر سبک شناسی ساختارگرا به بررسی خطبه متقین، از سه سطح آوایی، نحوی، بلاغی (دلالی) پردازد و زیبایی ها و ارزش های خطبه و اندیشه های امام علی (ع) پیرامون ویژگی های متقین را تبیین کند. یافته های پژوهش بیانگر این است که این سطوح سه گانه به صورتی منسجم و به هم پیوسته افکار و اندیشه های امام (ع) پیرامون وصف متقین بیان می کند. سطح آوایی با موسیقی ای که به واسطه تکرار حروف و سجع و جناس و طباق ایجاد کرده است از یک سو سبب انتقال این مفاهیم شده است و از سوی دیگر سطح نحوی با جمله های خیریه و فزونی جمله فعلیه و قیدهای تأکیدی سبب بیان معنا و مقصود مورد نظر امام علی (ع) به مخاطب گردیده است؛ همچنین سطح بلاغی نیز با صنایع لفظی و بدیعی به زیباتر شدن کلام کمک کرده است.

کلیدواژه: نهج البلاغه، خطبه متقین، ساختارگرایی، سطح آوایی، سطح نحوی، سطح بلاغی

۱. مقدمه

سبک شناسی یکی از موضوعات جدیدی است که پژوهشگران در سال های اخیر بدان توجه ویژه ای مبذول داشته اند. سبک شناسی در ابتدا تنها با علم بلاغت در ارتباط بود ولی امروزه با شاخه های متعددی از علوم مرتبط است و به بررسی ویژگی های موجود در یک متن می پردازد. سبک شناسی دارای رویکردهای مختلفی است و هر یک متون ادبی را از زاویه ای خاص خود مورد بررسی قرار می دهد. یکی از این رویکردهای زبان شناسانه، سبک شناسی ساختاری است. مکتب ساختارگرایی از جمله مکاتبی است که امروزه در حیطه نقد و تحلیل مسائل ادبی دیدگاه ها و ایده های جدیدی را به میدان ادب وارد کرده است که با استقبال روبرو شده است. ساختارشناسان معتقدند که هیچ

جزئی به تنها معنا ندارد و باید هر جزء اثر در ارتباط با اجزای دیگر و در نهایت کل سیستم در نظر گرفته شود. نهج البلاغه بعد از قرآن کریم از مهم ترین متون با ارزش به شمار می رود که پیوستگی و انسجام بسیاری میان کلمات آن و در میان کل متن آن وجود دارد. خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه که به خطبه متقین شهرت دارد واز جمله خطبه های نسبتاً طولانی به شمار می رود که در آن به وصف ویژگی ها و فضایل و روحیات انسان های پرهیزکار و باتقوا می پردازد. از این رو بر آن شدیم تا این خطبه زیبا را از دیدگاه سبک شناسی ساختاری مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

این پژوهش تلاش می کند به پرسش های زیر پاسخ دهد:

- ۱) چه عواملی در انتقال معنا و مقصود امام علی (ع) در سطح آوایی خطبه متقین از منظر سبک شناسی ساختارگرایی مؤثر بوده است؟
- ۲) عوامل مهمی که باعث انتقال معنا در سطح نحوی و دلالی خطبه متقین از نظر رویکرد سبک شناسی ساختارگرا چیست؟

فرضیه ها:

۱) عامل مهم در انتقال معنا در سطح آوایی تکرار حروف بعضی صامت ها و همچنین استفاده از جناس و سجع و تضاد به ایقاع متن کمک کرده است.

۲) در سطح نحوی جمله های خبری و جمله فعلیه و فعل معلوم و قیدهای تأکیدی سهم بسزایی در انتقال معنا داشته اند. و در سطح دلالتی نیز استعاره و کنایه و جناس و تضاد و سجع در انتقال معنا حائز اهمیت بوده اند.

۲. پیشینه پژوهش

درباره سبک شناسی خطبه متقین براساس رویکرد سبک شناسی ساختاری تا کنون مقاله ای انجام نشده است ولی در زمینه خطبه های دیگر نهج البلاغه همچون خطبه اشباح، خطبه ۲۷ و خطبه ۱۱۱ و همچنین درباره فرمان حکومتی امام علی (ع) به مالک اشتر مقالاتی درباره سبک شناسی نگاشته شده است که در زیر به آن اشاره می کنیم:

«سبک شناسی خطبه اشباح» از علی نظری و کبری خسروی وزهرا ابراهیمی که در فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه شماره ۸ در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است و در این مقاله نویسندگان به بررسی سبک شناختی خطبه از چهار دیدگاه آوایی، نحوی، دلالی، فکری پرداخته اند. و مقاله «تحلیل سبک شناختی نحوی - بلاغی ساخت